

# پژوهش‌های حقوقی

فصلنامه علمی - ترویجی

شماره ۳۶

هزار و سیصد و نود و هفت - زمستان

- ۷ رعایت اصل رقابت در انعقاد قراردادهای اداری  
دکتر حسن ناعمه
- ۳۷ تروریسم دولتی: پندار یا واقعیت؟!  
نواب محمدی ده‌چشمه
- ۶۹ مطالعه تطبیقی معیار قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق ایران و انگلستان  
محسن جعفری بهزادکلای - دکتر حمید ابهری
- ۸۷ رعایت الزامات حقوقی و قانونی در قراردادهای جدید نفتی ایران (I.P.C.)  
مهدی حقیقیان - دکتر علیرضا ابراهیم‌گل
- ۱۰۷ حقوق ایران نسبت به نقاط مداری از دیدگاه حقوق بین‌الملل  
فرناز فروتنیان شهربابکی - دکتر فاطمه فتح‌پور
- ۱۳۳ جایگاه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در میان منابع حقوق بین‌الملل  
جمشید مظاهری
- ۱۵۹ آثار حقوقی تصمیم خروج کشورهای آفریقایی از دیوان بین‌المللی کیفری  
محمد علیپور
- ۱۸۹ واکنش‌های کیفری عوام‌گرا در مقابله با جرایم خشونت‌بار در ایران  
دکتر محمدباقر مقدسی - دکتر محمد فرجیها
- ۲۱۱ تعویق صدور حکم و آثار آن  
محمدجواد علیزاده گودرزی - دکتر ابوالفتح خالقی
- ۲۳۷ نقش بیوتکنولوژی در برآورده شدن حق انسان‌ها بر تغذیه  
سیده کیانا بنی‌کمالی
- ۲۵۵ جنایات جنگی سایبری  
نگارنده: دیوید فیدلر - ترجمه: امین زحمتکش





## تروریسم دولتی: پندار یا واقعیت؟!\*

نواب محمدی ده‌چشمه\*

### چکیده:

تروریسم\*\* در لغت به معنای هراس‌افکنی و ایجاد وحشت است. این واژه که ریشه فرانسوی دارد، نخستین بار برای توصیف حکومت وحشت ژاکوبین‌ها در جریان انقلاب فرانسه به کار رفت که به‌موجب آن هزاران نفر در جریان مجازات‌های اختصاری کشته شدند و ترس و وحشت گسترده در میان مردم حاکم شده بود. در چند دهه اخیر و به‌ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر، تروریسم، توجه جدی جامعه جهانی را به خود اختصاص داده و هرروزه شاهد بحث‌ها، پژوهش‌ها و مقالات علمی در این زمینه هستیم؛ اما در این میان، متأسفانه «تروریسم دولتی»\*\*\* به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم تروریسم، کمتر موردتوجه بوده و باوجود استعمال گسترده آن در ادبیات سیاسی و حقوقی، همچنان مبهم و فاقد تعریف روشن و پذیرفته‌شده باقی مانده است.

در اینجا تلاش بر این است تا ضمن تعریف تروریسم دولتی در چارچوب حقوقی موجود، دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان برجسته حوزه تروریسم و انتقادات مطروحه نسبت به آن را موردبررسی قرار دهیم.

### کلیدواژه‌ها:

تروریسم دولتی، دولت حامی تروریسم، دولت پشتیبان تروریسم، تروریسم بین‌الملل.

## مقدمه

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقدامات تروریستی است که حیات بی‌گناهان بسیاری را سلب یا تهدید کرده، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی خود محروم ساخته، روابط دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است.<sup>۱</sup> بهره‌گیری دولت‌ها از تروریسم ابتدا در امپراتوری‌های شرقی روم و بیزانس، در آسیا و اروپا صورت گرفت.<sup>۲</sup> درحقیقت تاریخ تروریسم دولتی به دوران روم باستان و پادشاهی نرو<sup>۳</sup> برمی‌گردد. وی مسئول قتل بسیاری از اشراف و ویرانی روم در سال ۶۴ پیش از میلاد بود.<sup>۴</sup>

این روند در طول تاریخ تداوم داشته است. در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، تروریسم، اغلب به شکل خشونت سیاسی محلی، توسط آشوب‌طلبان، شورشیان اجتماعی و جدایی‌طلبان ملی و البته غالباً با حمایت محدود یا عدم حمایت دولت صورت می‌گرفت؛ اما ماهیت خصوصی فعالیت‌های تروریستی، میزان اتکای آنها به دولت و بزرگی و شدت تهدیدی که تروریسم مطرح می‌کند، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در طول زمان تغییر یافته است.

حمایت دولت‌ها از تروریسم در مقیاس گسترده از نیمه دوم قرن بیستم و به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی پدیدار گردید. والتر لاکوئر معتقد است که «این دولت‌ها، قدرت‌های بزرگ نبودند، بلکه عمدتاً دولت‌های ضعیف بودند، دولت‌های خودسری که توجهی به جایگاه بین‌المللی خود نداشته و فاقد پتانسیل لازم برای تهاجم نظامی (بجز علیه دولت‌های ضعیف) بودند، به همین جهت احساس کردند که می‌توانند از اقدامات تروریستی علیه دولت‌های دیگر استفاده کنند».<sup>۵</sup> به‌طور خاص در طول جنگ سرد بود که تروریسم به‌عنوان یک پدیده مؤثر و خطرناک از سوی دولت‌ها برای توسل به جنگ کم‌هزینه موردتوجه قرار گرفت. در جریان جنگ سرد، ترس از مواجهه قدرت‌های هسته‌ای، این نوع از جنگ نیابتی<sup>۶</sup> را به یک جایگزین

۱. پطروس غالی، «سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی» ترجمه سید قاسم زمانی، در *تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، حقوق*، علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، چاپ اول، ۳۲۷.

۲. Walter Laqueur, *The New Terrorism, Fanaticism and the Arms of Mass Destruction* (Oxford, New York: Oxford University Press, 1999), 156.

۳. Nero.

۴. Cindy C. Combs, and Martin Slann, *Encyclopedia of Terrorism* (New York: Facts on File, 2007), Revised Edition, 307.

۵. Ibid, 157.

۶. Proxy War.

مطلوب تبدیل کرد. درحالی که به صورت هم‌زمان، شور و اشتیاق بین‌المللی برای افشاء و هدف‌گیری دولت‌های حامی کم‌رنگ گردید.<sup>۷</sup>

در بعد داخلی، در نیمهٔ دوم قرن بیستم، حکومت‌های نظامی و رژیم‌های مستبد در سراسر آمریکای جنوبی و در برخی کشورهای آسیایی، آفریقایی و مناطق دیگر روی کار آمدند. در این دوران تروریسم ارتكابی به وسیلهٔ دولت‌های خودکامه منجر به ناپدید شدن میلیون‌ها انسان و قتل‌های با انگیزه سیاسی شد. حداقل چند میلیون انسان شکنجه شدند، چند میلیون نفر پناهنده سیاسی شدند و صدها میلیون انسان دیگر هم با استفاده از ترور دولتی مستقیم و غیرمستقیم مورد تهدید و ارباب قرار گرفتند.<sup>۸</sup>

در طول سال‌های متمادی نهاد‌های مدافع حقوق بشر از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و سازمان عفو بین‌الملل، افزایش مستمر نقض‌های حقوق بشر را به وسیلهٔ تعداد کثیری از دولت‌های معاصر گزارش داده‌اند. حتی امروزه در بسیاری از کشورهای جهان (در اکثریت کشورهای جهان)، بنیادی‌ترین حقوق بشر توسط حکومت‌هایی که از تروریسم در قالب رفتارهایی همچون شکنجه، آزار و اذیت و قتل مخالفان سیاسی‌شان بهره می‌برند، نقض می‌شوند. گزارش‌های سالیانه سازمان عفو بین‌الملل شاهدهی بر این مدعاست.<sup>۹</sup> این گزارش‌ها که تقریباً می‌توان آن را یگانه منبع کسب اطلاعات در مورد سرکوب و تروریسم دولتی دانست، بیانگر نقض حقوق بشر و تروریسم دولتی در بیش از دوسوم کشورهای تشکیل‌دهنده سازمان ملل است.<sup>۱۰</sup>

در بعد فراملی هم می‌توان گفت که در نتیجه عواقب و پیامدهای وحشتناک دو جنگ بزرگ جهانی و جنگ‌های بین‌المللی دیگر همچون جنگ ویتنام و جنگ دو کره، دولت‌ها دیگر تمایلی به درگیری در جنگ سنتی به دلیل اجتناب از عواقب آن ندارند، در عوض برای آسیب رساندن به دشمنان خود، از تروریسم به دلیل مزایای گستردهٔ آن بهره می‌برند.<sup>۱۱</sup>

7. Tal Becker, *Terrorism and the State: Rethinking the Rules of State Responsibility* (North America, Oxford and Portland Oregon: Hart Publishing, 2006), 150-151.

8. Jeffrey Sluka, "An Anthropological Perspectives on State Terrorism," (Paper Presented at the 49th Annual International Studies Association Convention, San Francisco, CA, USA, March 26-29, 2008).

9. Amnesty International (2002), Report [for 2001] Amnesty International, London.

10. John Richard Tackrah, *Dictionary of Terrorism* (London and New York: Routledge, 2004), Second Edition, 63.

11. Justin Conrad, "Interstate Rivalry and Terrorism: An Unprobed Link," *Journal of Conflict Resolution* 55(4) (21 February 2011): 533-536.

درواقع می‌توان گفت که به علت استفاده فزاینده دولت‌ها از تروریسم در دوران معاصر، جنگ از شکل سنتی خود به شکل غیرسنتی‌تر یعنی توسل به تروریسم، تغییر شکل پیدا کرده است.

### ضرورت تحقیق در باب تروریسم دولتی

با ملاحظه وقایع تروریستی قرن بیستم و آغاز هزاره سوم به خوبی می‌توان به اهمیت تحقیق در حوزه تروریسم و شناسایی دسته‌بندی‌ها و سنخ‌شناسی انواع مختلف آن پی برد. بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، پدیده تروریسم نوین و مبارزه علیه آن مبنا و محور اصلی روابط بین‌الملل و آرایش‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و حتی فرهنگی بازیگران در سطح جهانی شده است. این حملات توجه جامعه جهانی را بیش از پیش به پدیده تروریسم معطوف ساخت و مبارزه با تروریسم در سطح جهانی گسترش یافت. بنابراین ساختار کنونی نظام بین‌المللی را مبارزه علیه تروریسم شکل داده است. شاید بتوان گفت که در سطوح ملی، بین‌المللی و حتی جهانی، تقریباً همه برنامه‌های کلان با محوریت مبارزه علیه تروریسم طراحی می‌شوند. فلذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که پس از فروپاشی شوروی و به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر، موضوع تروریسم پراهمیت‌ترین موضوع در جهان معاصر و در کلیه سطوح جوامع کنونی و زندگی بشر است.<sup>۱۲</sup>

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر کتاب‌ها، مقالات و آثار علمی و پژوهشی زیادی در رابطه با تروریسم، گونه‌شناسی آن و شیوه‌های مقابله با آن نگاشته شده است. باین‌حال متأسفانه در این آثار توجه بسیار اندکی به پدیده تروریسم دولتی و یا تروریسم موردحمایت دولت شده است. بلیک لی و جکسون بر فقدان توجه کافی به این پدیده تأکید نموده‌اند. بلیک لی ابراز می‌کند که «علی‌رغم اینکه به مسئله تعریف تروریسم در آثار علمی، بسیار پرداخته شده و طیف وسیعی از تعاریف در مورد تروریسم وجود دارد، اما باین‌وجود، آثار مربوط به تروریسم دولتی در مقایسه با هزاران اثر در مورد تروریسم غیردولتی بسیار ناچیز است».<sup>۱۳</sup>

آندرو سیلک نشان می‌دهد که از مجموع ۴۹۰ مقاله در نشریات معتبر مطالعات تروریسم در خلال سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹، به‌طورکلی تنها ۱۲ مقاله (یعنی کمتر از ۲ درصد) مسئله

۱۲. محمدعلی ناجی راد، جهانی شدن تروریسم (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه،

۱۳۸۷)، چاپ اول، ۹-۱۰.

13. Ruth Blakeley, "Bringing the States back into Terrorism Studies," *European Political Science* 6(3) (2007): 228-235.

تروریسم دولتی را مورد توجه قرار داده‌اند.<sup>۱۴</sup> ریچارد جکسون نیز تصریح می‌کند که «بیشتر مطالعات در خصوص تروریسم مورد حمایت دولت، به تجزیه و تحلیل آن دولت‌هایی که به‌عنوان حامی تروریسم معرفی شده‌اند، گروه‌هایی که مورد حمایت آنها هستند و انواع کمک‌هایی که آن دولت‌ها ارائه کرده‌اند، اختصاص یافته است. این مسئله در آثار علمی، غالباً هم‌زمان با لیست سالانه وزارت خارجه آمریکا در مورد دولت‌های حامی تروریسم بین‌المللی مورد توجه واقع می‌گردد».<sup>۱۵</sup> وی با ارزیابی کل مقالات علمی ارائه شده در معتبرترین کنفرانس‌های علمی در خصوص مسئله تروریسم در خلال سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، نشان می‌دهد که کمتر از پنج درصد این آثار به‌طور کلی به مسئله تروریسم دولتی پرداخته‌اند.<sup>۱۶</sup>

البته همان‌گونه که جفری اسلوکا نیز تأکید کرده، دلایل این غفلت بیشتر سیاسی و ایدئولوژیک است تا علمی و تجربی و باید اذعان نمود که تروریسم دولتی، شکل عمده و بسیار مهم تروریسم در جهان معاصر است که در مقایسه با تروریسم ضد دولتی<sup>۱۷</sup> کم‌اهمیت جلوه داده شده است.<sup>۱۸</sup>

نکته حائز اهمیت دیگر در بررسی مسئله تروریسم دولتی این است که یکی از موانع عمده دستیابی به یک تعریف جامع از تروریسم در جامعه بین‌المللی گذشته از اختلافات بر سر مسئله نهضت‌های آزادی‌بخش، اختلاف بر سر درج یا عدم درج تروریسم دولتی در ذیل تعریف تروریسم است.<sup>۱۹</sup> اختلاف اساساً مربوط به این است که آیا باید اقدامات نیروهای نظامی دولت‌ها را مشمول قلمرو کنوانسیون دانست یا خیر؟<sup>۲۰</sup>

بنابر آنچه گفته شد درمی‌یابیم که تحقیق در خصوص مسئله تروریسم دولتی حائز اهمیت فراوانی است. درک بحران‌های بین‌المللی همچون بحران دارفور به‌عنوان نمونه‌ای از تروریسم دولتی، می‌تواند با تبیین این مسئله که چرا و چگونه یک دولت (و نه فقط عامل غیردولتی) مرتکب تروریسم می‌شود، منجر به یک چرخش حیاتی در مطالعات تروریسم گردد. در واقع، این مسئله نشان می‌دهد که اگرچه توجه بیشتر صاحب‌نظران مسائل تروریسم بر

14. Ruth Blakeley, "Elephant in the Room: A Reponse to John Horganand and Michael J. Boyle," *Critical Studies on Terrorism* 1(2) (2008): 151-165.

15. Richard Jackson, "The Ghosts of State Terror: Knowledge, Politics and Terrorism Studies," *Critical Studies on Terrorism* 1(3) (2008): 381.

16. Ibid.

17. Anti-State Terrorism.

18. Sluka, op.cit., 2.

19. Gerald Neuman, "Humanitarian Law and Couerterrorist Force," *EJIL* 14(2) (2003): 288.

20. John P. Grant, and J. Craig Barker, *Encyclopedic Dictionary of International Law* (Oxford, New York: Oxford University Press, 2009), Third Edition, 113.

عامل غیردولتی متمرکز است، به لحاظ تاریخی و در زمان معاصر، دولت‌ها بیشتر از عاملان غیردولتی مرتکب تروریسم می‌شوند. ماهیت خشونت در بحران‌هایی همچون دارفور به ما یادآور می‌شود که «اگر هدف اصلی، جلوگیری از ارتکاب تروریسم در سراسر جهان است، پس ضروری است که توجه بیشتر و اقدامات جدی‌تری برای مقابله با تروریسم ارتكابی به‌وسیله دولت‌ها علیه شهروندان صورت گیرد.»<sup>۲۱</sup> تردیدی نیست که گسترش تروریسم در دنیای معاصر، مرهون عملکرد دولت‌هاست و بنابراین ضروری است که در مطالعات تروریسم، توجه جدی‌تر و دقیق‌تری به شکل اصلی و خطرناک آن صورت گیرد. به‌طور خلاصه درحالی که جنگ، جنایت و تروریسم شورش (غیردولتی) به‌طور قوی مطالعه و تئوریزه شده‌اند، تروریسم دولتی کمتر مطالعه شده و تئوریزه نشده است.

## ۱- تروریسم دولتی؛ تعریف، ابعاد و عناصر تشکیل‌دهنده آن

### ۱-۱- مقدمه

هیچ واژه‌ای در قاموس سیاست بین‌الملل معاصر بیشتر از «تروریسم» استعمال نشده است.<sup>۲۲</sup> اما به‌راستی تروریسم چیست؟ تروریسم دولتی چیست و آیا میان تروریسم و دولت ارتباطی وجود دارد؟

رابرت کلوب در خصوص اهمیت تعریف هر پدیده کیفری بیان می‌کند که «بحث از سرکوب یک اقدام کیفری از طریق اجرای صلاحیت کیفری بر آن، در صورتی که اقدام مورد بحث به‌طور مطلوب تعریف نشده باشد، ممکن نیست. مسئله تعریف مناسب به‌ویژه در زمینه تروریسم بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است.»<sup>۲۳</sup>

مقابله مؤثر با پدیده تروریسم دولتی هم نیازمند ارائه تعریفی جامع از این پدیده، شناسایی ارکان و عناصر اصلی آن و نیز اتخاذ تدابیر متناسب برای مقابله با آن می‌باشد. این در حالی است که در رابطه با این پدیده و تعریف آن اتفاق نظر وجود ندارد. به‌طور کلی آن‌گونه که

21. David Mickler, "Darfurs Dread: Contemporary State Terrorism in the Sudan," in *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, ed. Richard Jackson, Eamon Murphy, and Scott Poynting (London and New York: Critical Terrorism Studies, 2009), 28-47.

22. Mark Selden, and Alvin Y. So, *War and State Terrorism: the United State, Japan and the Asia-Pacific in the Long Twentieth Century* (United State: Rowman and Littlefield Publishers, 2004), 4.

23. Robert Klob, "The Exercise of Criminal Jurisdiction over International Terrorists," in *Enforcing International Law Norms against Terrorism*, ed. Andrea Bianchi (Oxford and Portland Oregon, North America: Hart Publishing, 2004), 227.

آندروسلیک بیان می‌کند: «بیشتر کارها در خصوص تروریسم با بحث در مورد مشکلات تعریف واژه و ناتوانی صاحب‌نظران در دستیابی به توافق آغاز می‌شود.»<sup>۲۴</sup>

### ۱-۲- تعریف تروریسم دولتی

افراد و گروه‌ها تنها مرتکبان تروریسم نیستند، رهبران سیاسی قرن‌ها از تروریسم به‌عنوان ابزاری، هم در سیاست داخلی و هم در پیشبرد سیاست خارجی خود بهره برده‌اند. از زمانی که حکومت‌های متمرکز به وجود آمده‌اند، حاکمان همواره با هدف تحت انقیاد درآوردن اتباع خود و همچنین گسترش هرج‌ومرج و آشوب در میان دشمنان خود به تاکتیک‌های ترور متوسل شده‌اند.

باین حال هنوز برخی از صاحب‌نظران برابر دانستن تروریسم ارتكابی توسط دولت با تروریسم غیردولتی را برنمی‌تابند و شدیداً با آن مخالفت می‌ورزند. برای مثال والتر لاکوئر علی‌رغم اذعان به این حقیقت که تعداد قربانیان و آسیب‌دیدگان اقدامات تروریستی دولتی در طول تاریخ بسیار بیشتر از گروه‌های شورشی کوچک بوده است، اما با این وجود معتقد است که «جای دادن تروریسم دولتی در مطالعات تروریسم، بررسی تروریسم را غیرممکن خواهد ساخت». وی برابر دانستن تروریسم غیردولتی و دولتی را سبب ایجاد آشفتگی و ابهام بیشتر می‌داند.<sup>۲۵</sup>

جاناتان وایت در کتاب خود با عنوان «مقدمه‌ای بر تروریسم»، قائل به وجود پنج گونه متمایز از تروریسم است: تروریسم جنایی، تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم ملت‌گرا، تروریسم انقلابی و تروریسم دولتی. از نظر وی تروریسم دولتی هنگامی رخ می‌دهد که نظام‌های حاکم در روابط بین‌المللی و خارج از تشریفات دیپلماتیک تثبیت‌شده، اعمال خشونت می‌کنند و یا تهدید به استفاده از آن می‌نمایند. وی اشاره می‌کند که این اصطلاح در دوران ریاست جمهوری ریگان برای اشاره به اعمال خفیف بر ضد اماکن دیپلماتیک و تأسیسات نظامی ایالات متحده متداول گشت.<sup>۲۶</sup>

24. Ruth Blakeley, "State Terrorism in Social Sciences: Theories, Methods and Concepts," in *Contemporary State Terrorism*, ed. Richard Jackson, Eamon Murphy, and Scott Poynting (New York: Routledge, 2010), 12.

25. Walter Laqueur, "No End to War: Terrorism in the Twenty-first Century, 2003," in *State Terrorism and Neoliberalism: The North in the South*, ed. Ruth Blakeley (London: Routledge Critical Terrorism Studies, 2009), 26.

۲۶. مایکل لیمن و گری پاتر، «تروریسم به‌عنوان جرمی سازمان‌یافته»، ترجمه سید قاسم زمانی و علیرضا طیب،

در تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، حقوق، علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، چاپ اول، ۲۰۳-۲۰۱.



شریف بسیونی با ایجاد یک تفکیک عمده میان واژه تروریسم دولتی و دولت پشتیبان تروریسم، مبادرت به تعریف آنها نموده است. بسیونی اشاره می‌کند که «تروریسم دولتی؛ به کارگیری ترور به وسیله خود دولت است، زمانی که نیروهای دولت از جمله نیروهای دفاعی و یا کارگزاران اجرای قوانین از شکنجه، ژنوساید و جنایت علیه بشریت استفاده می‌کنند، خواه در تلاش برای غلبه بر دشمنان خارجی و یا برای تحت کنترل درآوردن گروه‌های خاص در قلمرو خود یا خارج از آن»، چنین فعالیتی را می‌توان تروریسم دولتی نامید.<sup>۲۷</sup> به نظر وی، تروریسم دولتی دربرگیرنده ژنوساید، شکنجه، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی است. در مقابل، از نظر بسیونی، پشتیبانی دولت از تروریسم زمانی رخ می‌دهد که «مرتکب واقعی اقدامات تروریستی عاملان غیردولتی هستند که با حمایت آشکار یا مخفیانه دولت اقدام می‌کنند. درواقع در اینجا نقش دولت‌ها فراهم آوردن حمایت‌های مالی، نظامی یا معنوی از گروه‌هاست.»<sup>۲۸</sup>

البته این تعریف بسیونی کاملاً قابل نقد به نظر می‌رسد، چراکه تروریسم دارای تعریف خاص خود بوده و محدود نمودن آن به موارد شکنجه، ژنوساید و جنایت بر علیه بشریت، صحیح به نظر نمی‌رسد. علاوه بر این، ژنوساید و جنایت علیه بشریت دارای تعاریف و عناصر مشخصی بوده و آن‌چنان که خواهیم دید در مواردی ممکن است عملی ژنوساید یا جنایت علیه بشریت تلقی گردد ولی تروریسم نباشد، گو اینکه در مواردی هم ممکن است در ذیل هر دو عنوان قرار گیرد. البته وی ژنوساید یا جنایت علیه بشریت را در صورتی که با هدف تهدید یا ارعاب از سوی نیروهای حکومت صورت گیرند، به عنوان تروریسم دولتی معرفی می‌نماید، ولی در انتقاد به این تعریف باید اذعان داشت که تعریف اقدام تروریستی (در معنای اصلی خود) دربرگیرنده هر نوع عمل خشونت‌آمیزی است که از سوی تروریست‌ها (در اینجا کارگزاران حکومت) و با هدف ارعاب مخاطب هدف صورت می‌گیرد. ضمن اینکه آستانه سخت‌گیرانه جنایت علیه بشریت و شرایط خاص برای ارتکاب ژنوساید، مفری برای گریز مرتکبان تروریسم از قرار گرفتن در ذیل عنوان تروریست ایجاد می‌نماید.

هندرسون هم میان تروریسم دولتی و دولت پشتیبان تروریسم تمایز قائل شده است. به نظر وی «تروریسم دولتی؛ استفاده از ترور و تهدید به وسیله حکومت علیه شهروندان خود

27. M. Cherif Bassiouni, "Legal Control of International Terrorism: A Policy Oriented Assessment," *Harvard International Law* 43 (2002): 83-103.

28. *Ibid.*

می‌باشد.» در مقابل پشتیبانی دولت از تروریسم؛ «حمایت (از طریق آموزش، سلاح، پول یا اعطای پناهگاه) به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی دولت است.» وی تأکید می‌کند که تعداد قربانیان تروریسم دولتی در سراسر قرن بیستم در آلمان، شوروی سابق، چین و دیگر کشورها بسیار بیشتر از همهٔ تلفاتی بود که به‌وسیله آنچه عموماً تروریسم گروهی (غیردولتی) نامیده می‌شود، ایجاد گردید.<sup>۲۹</sup>

سیندی کمیس و مارتین اسلن در دانشنامه تروریسم به تعریف واژگان تروریسم دولتی، دولت پشتیبان تروریسم<sup>۳۰</sup> و دولت حامی تروریسم<sup>۳۱</sup> مبادرت نموده و میان این سه مفهوم تمایز قائل شده‌اند. از فحوای تعاریف ارائه‌شده چنین برمی‌آید که به نظر آنان، تروریسم دولتی به مواردی اشاره دارد که در آن، یک دولت، خود مرتکب اقدامات تروریستی می‌گردد. در مقابل، دولت پشتیبان تروریسم به‌واسطهٔ دخالت گستردهٔ دولت در فعالیت‌های تروریستی، گاه به‌صورت مستقیم، از طریق هدایت و کنترل فعالیت‌های گروه‌ها تعریف شده است. دولت حامی تروریسم هم به‌عنوان دولتی تعریف شده که به گروه‌های تروریستی کمک می‌کند و یا گروه‌های تروریستی را که سطوح متفاوتی از عدم وابستگی را دارند، تحریک و ترغیب می‌کند.<sup>۳۲</sup> در هر دو شیوه اخیر، دولت از گروه‌های تروریستی برای پیشبرد اهداف خود در کشورهای دیگر بهره می‌گیرد.

اما شاید کامل‌ترین و جامع‌ترین تعریفی که می‌توان ارائه داد، این است که «تروریسم دولتی؛ استفادهٔ آگاهانه از خشونت یا تهدید به استفاده از چنین خشونت‌هایی به‌وسیله کارگزاران یک دولت یا افراد منصوب از جانب آن علیه افراد یا گروه‌هایی است که با هدف تهدید یا ارباب مخاطب گسترده‌تر قربانی می‌شوند»؛ بنابراین قربانیان مستقیم، اهداف اصلی نیستند، بلکه ابزاری برای تهدید مخاطبان گسترده‌تری هستند که از طریق پیام آن خشونت تهدید می‌شوند. هدف از خشونت اعمال‌شده دستیابی به مقاصد سیاسی یا سیاسی - اقتصادی (برخلاف اهداف مجرمانه یا مذهبی) است.<sup>۳۳</sup>

29. Harry Henderson, *Global Terrorism* (New York: Facts on File Inc, 2004), Revised Edition, 163.

30. State-Sponsored Terrorism.

31. State-Supported Terrorism.

32. Cindy Combs and Slann, op.cit., 303.

33. Richard Jackson, Murphy and Poynting, "Terrorism, the State and the Study of Political Terror," in *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, ed. Richard Jackson, Eamon Murphy, and Scott Poynting (London and New York: Critical Terrorism Studies, 2009), 3.

بنابر تعریف فوق چنین اقدامات تروریستی می‌تواند هم نسبت به اتباع خودی و هم نسبت به شهروندان و یا دولت‌های دیگر صورت گیرد<sup>۳۴</sup> و می‌تواند دربردارنده کلیه اشکال مداخله دولت در اقدامات تروریستی از مداخله مستقیم تا حمایت و تأیید آن اقدام باشد. فلذا تروریسم دولتی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های دولت را دربرمی‌گیرد که در بسیاری از موارد، شناسایی ارتباط آن رفتار با دولت خاطی بسیار دشوار است. تأثیر اقدام خشونت‌آمیز هم بسیار فراتر از قربانی مستقیم و آن لحظه خاص گسترش می‌یابد.

به‌طور کلی تروریسم دولتی باید بالقوه خطرناک‌تر از تروریسم گروهی یا فردی تلقی شود. توانایی نیروهای دولتی از لحاظ نیروی انسانی، سطح آموزش و تکنولوژیکی بسیار برتر از گروه‌های کوچک است.<sup>۳۵</sup> واقعیت این است که حتی دولت‌های کوچک در مقایسه با تروریست‌های غیردولتی پیشرفته، توانایی بسیار بیشتری برای تروریزه کردن مردم دارند. به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۴۵ به بعد، حمایت دولت از خشونت نسبت به گروه‌های سیاسی، نژادی و ... سبب مرگ و جراحات و رنج انسانی بیشتری در مقایسه با مخاصمات مرگبار همچون جنگ‌های بین‌المللی، مستعمراتی و جنگ‌های داخلی بوده است. چنان‌که هرمان بیان می‌کند که «رشد واقعاً مهم و گسترده تروریسم پس از جنگ جهانی دوم به این دلیل بوده که توسط دولت‌ها انجام شده است.»<sup>۳۶</sup>

این روند کماکان تداوم داشته تا آنجا که باید اذعان نمود: «به طرز نگران‌کننده‌ای تروریسم دولتی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات نسبت به امنیت اجتماعی و انسانی و سعادت بشر در جامعه امروز مطرح است. مطمئناً در مقایسه با تروریسم ارتكابی به‌وسیله گروه‌های شورشی غیردولتی، تروریسم دولتی سبب مرگ یا جراحات بیشتری برای انسان‌ها گردیده است. هرساله هزاران انسان در سراسر جهان توسط نیروهای دولتی یا کارگزاران آنها کشته می‌شوند، ربوده می‌شوند، ناپدید می‌شوند، مورد شکنجه یا صدمه قرار می‌گیرند، از آنها سوءاستفاده می‌شود یا به آنها تجاوز می‌شود و یا مورد تهدید و ارباب قرار می‌گیرند.»<sup>۳۷</sup>

34. Anthony Aust, *Handbook of International Law* (New York: Cambridge University Press, 2010), Second Edition, 265.

35. Thomas Riegler, "The State as a Terrorist? Arguing for a Category of State Terrorism," in *Inside and Outside of the Law: Perspectives on Evil, Law and the State*, ed. Shubhankar Dam, and Jonathan Hall (Oxford United Kingdom: Inter-disciplinary Press, 2009), 176.

36. Sluka, op.cit., 3.

37. Jackson, Murphy and Poynting, op.cit., 1.

پروفسور ایگور پریمورتاز ضمن اینکه همه اشکال تروریسم را به لحاظ اخلاقی، محکوم و ناپسند می‌شمارد، اعلام می‌کند که تروریسم دولتی، از نظر اخلاقی به مراتب بدتر و ناپسندتر از تروریسم غیردولتی است. دلایلی که ایشان در توضیح ادعای خود برمی‌شمرد عبارتند از:

۱- ترورهای انجام‌شده توسط حکومت‌های پلیسی و ستمگر در مجموع هزاران بار بیشتر از همه اقدامات تروریستی فردی سبب قربانی شدن یا رنج و بدبختی مردم گردیده است؛

۲- تروریسم دولتی ضرورتاً با مخفی‌کاری، نیرنگ و ریاکاری آمیخته است. به این معنا که زمانی که یک دولت درگیر در تروریسم است (خواه به‌وسیله کارگزاران خود و یا توسط عاملان دیگر)، دولت به‌صورت مخفیانه اقدام کرده، هرگونه دخالت خود را انکار می‌کند و تبعیت خود را از اصول و ارزش‌هایی که اقدامات مذکور را نفی می‌کنند، اعلام می‌دارد.

۳- بیشتر اشکال تروریسم (اگر نگوییم همه اشکال آن) توسط اعلامیه‌های حقوق بشری تحت پوشش قرار گرفته است. در حال حاضر کسانی که درگیر در تروریسم غیردولتی هستند، امضاءکنندگان این اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها نیستند، درحالی‌که عملاً همه دولت‌ها امضاءکنندگان بیشتر (اگر نه همه) آنها هستند؛ بنابراین زمانی که یک دولت درگیر در تروریسم است، درواقع در راستای نقض تعهدات بین‌المللی خود اقدام می‌کند؛

۴- ادعاهایی در رابطه با قابل‌توجیه بودن برخی اقدامات تروریستی گروه‌های غیردولتی مطرح شده است، ازجمله نداشتن هیچ راه‌حل دیگر در مواردی که مردم تابع حکومت‌های خارجی تحت ظلم و ستم و استثمار هستند، مثلاً در مورد نهضت‌های آزادی‌بخش. هرچند امروزه این استدلال غالباً با انتقاد مواجه شده است.<sup>۳۸</sup>

### ۱-۳- عناصر تشکیل‌دهنده جرم تروریسم دولتی

یقیناً یکی از موانع اصلی در دستیابی به یک تعریف واحد و اجماع در خصوص پدیده تروریسم دولتی، ابهامات و اختلاف‌نظرها میان صاحب‌نظران مسائل تروریسم درخصوص تعریف خود واژه تروریسم است. درک عناصر اصلی و سازنده جرم در تشریح آن و بررسی علل و ریشه‌های ارتکاب و نیز جلوگیری از ارتکاب آن بسیار مؤثر است.

38. Igor Primortaz, "State Terrorism and Counterterrorism," in *Terrorism and Philosophical Issues*, ed. Primortaz (Houndmills: Plgrave Macmillan, 2004), 113-127.

بیشتر تعاریف پذیرفته شده از تروریسم بر دو جزء سازنده تأکید دارند:

۱- هدف: هدف اقدام تروریستی تأثیر بر حکومت، خطمشی انسانی یا شیوه انجام امور است؛

۲- ابزار: که متضمن استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت است و دربردارنده دو هدف می‌باشد، هدف اولیه یا اصلی؛ مخاطبی که حمله تروریستی برای تأثیرگذاری بر آن صورت گرفته است و هدف ثانویه یا فرعی؛ قربانی که مستقیماً به وسیله آن حمله تحت تأثیر قرار گرفته است.<sup>۳۹</sup>

دیوید میکلر بر این اعتقاد است که در تروریسم سه عنصر کلیدی وجود دارد که آن را به عنوان شکل ویژه‌ای از خشونت متمایز می‌کند. اول، غیرنظامیان باید اهداف آگاهانه و اولیه اقدام خشونت‌آمیز باشند؛ دوم، از طریق القای وحشت، آن اقدام یا اقدامات اولیه خشونت‌آمیز باید برای تأثیرگذاری بر آماجی فراتر از قربانی مستقیم ترور در نظر گرفته شده باشد؛ و سوم، القای وحشت بایستی در خدمت اهداف سیاسی باشد.<sup>۴۰</sup>

آن گونه که ملاحظه گردید در بیشتر تعاریف تروریسم بر «ماهیت» و «قصد» عمل تأکید شده و تروریسم به صورت منسجم به واسطه این دو عامل تعریف شده، نه به واسطه «ماهیت مرتکب»، بنابراین دولت‌ها هم می‌توانند مطابق اکثر تعاریف پذیرفته شده مرتکب تروریسم شوند.

به طور کلی برای اینکه جرمی واجد وصف تروریسم دولتی باشد باید دربرگیرنده عناصر زیر باشد:

الف - استفاده آگاهانه از خشونت یا تهدید به استفاده از آن؛

ب - چنین اقدامی باید از جانب کارگزاران خود دولت یا گماشتگان (افراد یا گروه‌های خصوصی) از جانب آنها باشد و به نحوی (حمایت، پشتیبانی، تأیید و مدارا) با دولت مرتبط شود؛

ج - خشونت بر علیه افراد یا گروه‌هایی است که اهداف اصلی اقدام تروریستی نیستند و شاید کاملاً اتفاقی انتخاب شده باشند. قربانیان صرفاً ابزاری هستند برای مخابره پیام

39. Crystal M. Schaeffer, *State Sponsorship of Terrorism: A Comparison of Cuba's and Iran's Use of Terrorism to Export Ideological Revolution* (Virginia: George Mason University, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, 2010), 11-13.

40. David Mickler, "State Terrorism in the Sudan: Perpetrators and enablers," (Paper Presented at the International Studies Association, Annual Convention, New Orleans, February 17-20, 2010), 4.

تروریست‌ها. آماج اصلی، افراد یا گروه‌ها یا دولت‌هایی دیگر هستند که برحسب اهداف تروریست‌ها می‌تواند گسترده یا محدود باشند؛

د - هدف اقدام تروریستی عمدتاً سیاسی است. به‌گونه‌ای که مخاطب پیام تروریست‌ها را مجبور به تغییر رفتار یا موضع نسبت به مسئله‌ای خاص بنماید (اعم از اینکه جزئی باشد یا کلی و گسترده).<sup>۴۱</sup>

دیوید کلاریج هم در تلاش برای ارائه یک مدل تعریفی از تروریسم دولتی، چند ویژگی را برای تروریسم دولتی ذکر می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱- تروریسم دولتی یک «جرم سیستماتیک» است. یکی از ویژگی‌های کلیدی استراتژی تروریستی، ماهیت سیستماتیک آن است که آن را از سایر اقدامات تروریستی پراکنده یا آنی متمایز می‌سازد. البته از نظر وی نمی‌توان گفت که تروریسم در یک اقدام خشونت‌آمیز واحد رخ نمی‌دهد. وی تصریح می‌کند که به این دلیل بر ویژگی سیستماتیک تروریسم دولتی به جای ویژگی عامدانه بودن آن تأکید می‌کند که اثبات قصد دولت در ارتکاب تروریسم بسیار دشوار است و سیستماتیک بودن اقدامات دولت بر قصد آن هم دلالت دارد؛

۲- تروریسم دولتی عملاً یا به‌صورت بالقوه یک اقدام خشونت‌آمیز است؛

۳- تروریسم دولتی یک اقدام سیاسی است؛

۴- اقدامات تروریستی به‌وسیله کارگزاران یک دولت یا نیروهایی که با منبع دولتی اقدام می‌کنند، صورت می‌گیرد؛

۵- هدف اقدامات تروریستی ایجاد وحشت است؛

۶- اقدامات مذکور برای مخابره یک پیام برای گروه گسترده‌تری فراتر از قربانی مستقیم در نظر گرفته شده‌اند؛

۷- قربانیان حملات، نیروهای مسلح نیستند و برای ارتکاب تجاوز در زمان حادثه سازمان‌دهی نشده‌اند.<sup>۴۲</sup>

41. Ruth Blakeley, "State Terrorism in Social Sciences: Theories, Methods and Concepts," op.cit., 14-15.

42. David Claridge, "State Terrorism? Applying a Definitional Model," *Terrorism and Political Violence* 8(3) (1996): 52-53.

#### ۱-۴- ابعاد تروریسم دولتی

کمبس و اسلن تصریح می‌کنند که تروریسم دولتی عمدتاً با دو هدف صورت می‌گیرد: اول، مطیع ساختن شهروندان خود؛ و دوم، گسترش هرج‌ومرج و آشوب میان دشمنان. با تکیه بر این اهداف تروریسم دولتی را به دو سطح کلی؛ تروریسم دولتی داخلی و تروریسم دولتی خارجی تقسیم می‌کنند.<sup>۴۳</sup> در بررسی تعاریف ارائه‌شده نیز درمی‌یابیم که اقدام تروریستی می‌تواند هم علیه شهروندان خودی و هم علیه اتباع بیگانه صورت گیرد. فلذا در یک تقسیم‌بندی کلی تروریسم دولتی به دو بخش تقسیم می‌گردد: تروریسم دولتی داخلی و تروریسم دولتی خارجی.

#### ۱-۴-۱- تروریسم دولتی داخلی

شکلی از تروریسم دولتی که به‌وسیله دولت علیه اتباع خود اعمال می‌شود.<sup>۴۴</sup> تروریسم دولتی داخلی به «استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت به‌وسیله دولت یا نمایندگان دولت علیه افراد، گروه‌ها و جمعیت تحت حاکمیت خود اشاره دارد که با هدف ایجاد وحشت در مخاطب هدف فراتر از قربانی مستقیم، صورت می‌گیرد.»

در این نوع تروریسم، دولت به‌منظور مطیع ساختن شهروندان یا به‌طور مستقیم اقدام می‌کند و یا به‌طور غیرمستقیم و از طریق گروه‌های تروریستی مخفی به‌ظاهر مستقل، اما درواقع وابسته به دولت اقدام می‌کند (دولت‌ها در ظاهر وانمود می‌کنند که علیه چنین گروه‌های تروریستی هستند و تلاش می‌کنند تا آنها را محو و نابود سازند، اما درواقع حامی آنها هستند)<sup>۴۵</sup> و یا از طریق گروه‌های شبه‌نظامی و غیرنظامی که جزء ساختار نظامی یا سیاسی آن محسوب نمی‌شوند، اقدام به ترور افراد و گروه‌های مخالف در جامعه می‌کنند تا با ایجاد رعب و وحشت در میان فعالان سیاسی و شهروندان، آنها را وادار به اطاعت از دولت نمایند.

می‌توان گفت یک شرط مهم داخلی برای به‌کارگیری تروریسم از سوی دولت‌ها، وضعیتی است که در آن دولت‌ها یا رهبران حاکم درمی‌یابند که با چالشی بالقوه جدی برای قدرت یا استمرار حکومتشان مواجه شده‌اند. این وضعیت اغلب در دولت‌های ضعیف و شکننده رخ

43. Cindy Combs and Slann, op.cit., 307.

44. Cindy Combs and Slann, op.cit., 135.

می‌دهد. البته این وضعیت می‌تواند برای دولت‌های قدرتمند نیز رخ دهد، زمانی که رهبران حاکم درمی‌یابند که مثلاً یک جنبش تروریستی، تهدیدی جدی را برای ثبات آنها به وجود می‌آورد.<sup>۴۶</sup>

این نوع از تروریسم در نیمه دوم قرن ۲۰ در بسیاری از کشورهای لاتین، آفریقا و آسیا، با روی کار آمدن حکومت‌های خودکامه به شکل گسترده‌ای به کار گرفته شد و منجر به نابودی و ناپدید شدن میلیون‌ها انسان، شکنجه، بازداشت و تهدید مستقیم و غیرمستقیم بسیاری دیگر شد.

در بیان مصادیق ترور دولتی، عفو بین‌الملل در سال ۱۹۹۳ اشکال اصلی ترور دولتی را بازداشت خودسرانه، محاکمه ناعادلانه، شکنجه، قتل سیاسی یا اعدام‌های فراقضایی عنوان کرده است.<sup>۴۷</sup> گزارش‌های عفو بین‌الملل و سایر نهادهای حقوق بشری در سال‌های اخیر نیز متأسفانه بیانگر استفاده گسترده دولت‌ها از ترور علیه شهروندان و ناراضیان داخلی است.

#### ۱-۴-۲- تروریسم دولتی خارجی (تروریسم بین‌الملل)

تروریسم دولتی خارجی که عموماً به آن تروریسم بین‌المللی هم گفته می‌شود دربرگیرنده اقدامات تروریستی است که توسط یک دولت علیه شهروندان دولت‌های دیگر صورت می‌گیرد.<sup>۴۸</sup> این شکل از تروریسم نیز از زمان‌های دور توسط دولت‌ها به کار گرفته شده است. هیچ امپراتوری هرچند قدرتمند نمی‌توانست در حالت جنگ همیشگی با همسایگان باقی بماند؛ بنابراین یک جایگزین کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر وجود داشت؛ حمایت از مخالفان یا جدایی‌طلبان در داخل دولت رقیب یا بهره‌گیری از نیروهای تحت هدایت یا وابسته به دولت (گروه‌های نظامی یا شبه‌نظامی وابسته به دولت).<sup>۴۹</sup>

امروزه تروریسم دولتی خارجی به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی دولت‌های تندرو درآمد است.<sup>۵۰</sup> والتر لاکوئر تروریسم بین‌المللی را یکی از معضلات جهان امروزی می‌داند که تحت هدایت دولت یا دولت‌هایی بر ضد کشورهای دیگر با همکاری گروه‌های مختلف به

46. Richard Jackson, "Contemporary State Terrorism: towards a New Research Agenda," in *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, ed. Richard Jackson, Eamon Murphy, and Scott Poynting (London and New York: Critical Terrorism Studies, 2009), 231-232.

47. Amnesty International (1994), Report [for 1993]. Amnesty International. London.

48. Cindy Combs and Slann, op.cit., 307-308.

49. Laqueur, *The New Terrorism, Fanaticism and the Arms of Mass Destruction*, op.cit., 165.

۵۰. کیوان جوکار و غلام‌رضا مهدیزاده، *تروریسم و امنیت بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱* (تهران: انتشارات



وقوع می‌پیوندد و غالباً به حملات به اتباع خارجی یا اموال آنان در سرزمین کشور خود یا جای دیگر نیز اشاره دارد.<sup>۵۱</sup> معمولاً این نوع از تروریسم به دو روش صورت می‌گیرد:

الف - تروریسم دولتی نظامی: در این روش، دولت‌ها با به‌کارگیری بخشی از نیروهای نظامی خود می‌کوشند اراده موجودیت سیاسی دشمن را تحت تأثیر قرار دهند.<sup>۵۲</sup> البته این نیروهای نظامی می‌توانند کاملاً تحت هدایت دولت باشند، مثل نیروهای رسمی ارتش یا شبه‌نظامیان وابسته به دولت که با میزان وابستگی متفاوت متوسل به چنین اقداماتی می‌گردند؛

ب - تروریسم دولتی مداخله‌گر: این نوع تروریسم دولتی شامل دخالت‌های پنهان و آشکار دولت‌ها در امور داخلی دیگر کشورها، آن هم از طریق حمایت مالی و تسلیحاتی از شورشیان و ناراضیان بومی آن کشورهاست.

این اقدام دولت‌ها در پشتیبانی از شورشیان ناراضی می‌تواند به دو حوزه وسیع تقسیم گردد، نخست، دولت‌ها می‌توانند مکان‌های امنی برای اعضا و پشتیبانان این گروه‌ها تهیه کنند؛ دوم، دولت‌ها می‌توانند اطلاعات یا دیگر انواع کمک‌های فنی را برای این گروه‌ها فراهم آورند. تفاوت این نوع تروریسم با تروریسم دولتی نظامی این است که دولت مداخله‌گر از نیروهای نظامی خود برای اعمال قدرت استفاده نمی‌کند، بلکه از نیروهای اجتماعی کشور هدف برای تحت فشار قرار دادن آن کشور استفاده می‌کند.<sup>۵۳</sup>

به‌هرحال صرف‌نظر از اینکه دولت‌ها از نیروهای داخلی خود یا کشور هدف استفاده کنند یا خیر، بسته به نوع فعالیت و حمایتی که از افراد و گروه‌ها در انجام اقدامات تروریستی صورت می‌دهند، می‌توان آنها را حامی یا پشتیبان تروریسم نامید.

البته تقسیم‌بندی‌های دیگری هم بر مبنای نوع مشارکت دولت در اقدامات تروریستی ارائه شده است. در همین راستا استوهل و لوپز سه شکل کلی از رفتار تروریستی دولت در صحنه بین‌المللی را مورد شناسایی قرار داده‌اند. اول، تروریسم به‌عنوان دیپلماسی اجبارکنندگی؛ که در آن، استفاده از تروریسم توسط دولت آشکار است و هدف، ایجاد نافرمانی در مقابل مطالبات سیاسی خاص است؛ دوم، تروریسم دولتی مخفیانه؛<sup>۵۴</sup> که در آن از تروریسم

۵۱. ناجی راد، پیشین، ۹۰.

۵۲. همان، ۹۴.

۵۳. همان، ۹۵.

دولتی به صورت پنهانی بهره‌گیری می‌شود و می‌تواند متضمن استفاده از گروه‌های خصوصی توسط دولت باشد؛ سوم، تروریسم نیابتی؛<sup>۵۵</sup> که شایع‌تر بوده و متضمن کمک به دولت دیگر یا گروه شورشی در تلاش برای بهبود توانایی آن دولت یا گروه در ارتکاب اقدامات تروریستی است. تروریسم نیابتی به دو دسته تقسیم می‌گردد: اول، حمایت دولت از تروریسم؛ زمانی که طرف ثالث اقداماتی را صورت می‌دهد که متعاقباً مورد حمایت دولت ذی‌نفع قرار می‌گیرند؛ دوم، رضایت دولت از ارتکاب تروریسم؛<sup>۵۶</sup> هنگامی که اقدامات تروریستی توسط ثالث صورت می‌گیرند و درحالی که صراحتاً توسط دولت ذی‌نفع مورد تأیید قرار نمی‌گیرند، اما اقدامات مذکور توسط دولتی که احتمالاً به لحاظ مادی (از طریق فروش سلاح، اطلاعات جاسوسی و یا انتقال منابع دیگر) آن را ممکن ساخته است، محکوم نشده یا مخالفت آشکاری با آن صورت نگرفته است.<sup>۵۷</sup>

کوهن نیز تصریح می‌کند که تروریسم دولتی باید به چهار دسته تقسیم‌بندی گردد: اقدامات تروریستی ارتكابی در جریان مخاصمات مسلحانه؛ اقدامات تروریستی که معمولاً در قلمرو خارجی و به‌وسیله نمایندگان دولت، خارج از مخاصمه مسلحانه صورت می‌گیرند؛ اقدامات متضمن دخالت دولت در فعالیت‌های گروه‌های تروریستی خصوصی؛ و تروریسم دولتی داخلی.<sup>۵۸</sup>

## ۲- انتقادات مطرح نسبت به مفهوم تروریسم دولتی

باوجوداینکه تروریسم و خشونت دولتی یکی از بزرگ‌ترین عوامل رنج و نابودی بشر در چند قرن گذشته و به‌ویژه قرن اخیر بوده است، شگفت‌آور است که این پدیده هنوز توجهات لازم را در روابط بین‌الملل، مطالعات امنیتی و مطالعات تروریسم دریافت نکرده است.<sup>۵۹</sup> در این راستا آن‌گونه که یافته‌های اشمید و یانگمن نیز تأیید می‌کنند «یک فقدان آشکاری از آثار علمی که به معضل بسیار جدی‌تر تروریسم دولتی رسیدگی کند، وجود دارد.»<sup>۶۰</sup>

55. Surrogate Terrorism.

56. State Acquiescence.

57. Michael Stohl, and George A. Lopez, *The State as Terrorist: The Dynamics of Governmental Violence and Repression* (Westport: Greenwood Press, 1984), 44.

58. Noelle Quenivet, "The World after September 11: Has It Really Changed?," *The European Journal of International Law* 16(3) (2005): 566.

59. Blakeley, "Bringing the States back into Terrorism Studies," in op.cit., 228-235.

60. Richard Jackson, "Contemporary State Terrorism: Towards a New Research Agenda," op.cit., 228.

یکی از دلایل عدم توجه به این پدیده، تردید در انتساب اعمال تروریستی به دولت‌ها و مخالفت با مفهوم تروریسم دولتی است. بسیاری از صاحب‌نظران استدلالاتی را در مخالفت با وجود پدیده تروریسم دولتی مطرح کرده‌اند. در اینجا تلاش بر این است که به این انتقادات پاسخ داده شود. انتقادات عبارتند از:

دولت‌ها دارای حق قانونی توسل به خشونت هستند. در این خصوص والتر لاکوئر اظهار می‌کند کسانی که اعتقاد دارند که تروریسم دولتی باید در مطالعات تروریسم گنجانده شود، در واقع از این حقیقت غفلت می‌کنند که وجود عینی دولت مبتنی بر انحصاری بودن قدرت آن است. چنانچه غیر از این باشد دولت‌ها حق حفاظت از نظم را برای تأمین امنیت جانی شهروندان نخواهند داشت.<sup>۶۱</sup>

اندیشمندانی مثل اسکوییژوسکی هم بر این اعتقادند که خشونت اعمال شده توسط دولت‌ها صرف‌نظر از اینکه کنوانسیون‌های ژنو یا معاهدات سازمان ملل را نقض می‌کند، قانونی و موجه است، به این دلیل که دولت‌ها دارای انحصار در استفاده از خشونت بوده و بالاتر از قوانین خود می‌باشند. در برخی شرایط این وظیفه دولت است که به‌منظور حمایت از جامعه در مقابل تعرضات داخلی یا خارجی از خشونت استفاده کرده یا تهدید به استفاده از آن بنماید (اقداماتی مثل زندانی کردن، مجازات‌های سنگین یا اقدامات جنگی).<sup>۶۲</sup>

در حقیقت این استدلال بر تحلیل معروف ماکس وبر که دولت را موجودیتی می‌داند که انحصار در استفاده قانونی از خشونت فیزیکی را داراست، بنا گردیده است و بر این پیش‌فرض مبتنی است که وجود عینی دولت به‌واسطه حق استفاده از خشونت تثبیت گردیده است. با این وجود، نمی‌توان پذیرفت که همه اقدامات خشونت‌آمیز دولت مشروع هستند. زمانی که یک دولت از خشونت به‌عنوان ابزار اجبار جامعه به جای دفاع از آن جامعه استفاده می‌کند، سوءاستفاده از انحصار خود در استفاده از اجبار فیزیکی را آغاز می‌نماید و اگر یک دولت سیاست محای تمام بخش‌های جامعه خود یا جامعه دیگر را آغاز نماید، یقیناً به یک شیوه غیرقابل‌پذیرش و غیرقانونی و فراتر از محدوده‌های حاکمیت خود اقدام نموده است. بیشتر قواعد بین‌المللی که در بیش از نیم‌قرن گذشته تکامل یافته‌اند بیانگر تلاشی است که در جهت محدود نمودن تمایل دولت‌ها برای استفاده از خشونت افراطی و تدوین شرایطی که

61. Laqueur, "No End to War: Terrorism in Twenty-First Century," in op.cit., 237.

62. J.P. Terry, "State Terrorism: A Juridicial Examination in Terms of Existing International Law," *Journal of Palestine Studies* 10(1) (1980), 95.

طبق آن می‌توان دولت را متجاوز از محدوده‌های حق حاکمیت تلقی نمود، صورت گرفته است.<sup>۶۳</sup>

درواقع ادعای مخالفان بر این مبناست که یکی از ویژگی‌های تعریف تروریسم این است که تروریسم، شکلی از خشونت سیاسی غیرقانونی است که منحصرأ به وسیلهٔ عاملان غیردولتی انجام می‌شود و بنابراین، دولت‌ها نمی‌توانند در فعالیت‌های تروریستی درگیر باشند، چراکه آنها حق قانونی توسل به خشونت را دارا هستند، برخلاف عاملان غیردولتی که چنین حقی را ندارند.

در پاسخ به این استدلال باید گفت که حتی در وضعیت‌هایی که مطابق حقوق بین‌الملل و هنجارهای بین‌المللی، دولت‌ها دارای حق قانونی برای توسل به خشونت هستند،<sup>۶۴</sup> این همیشه بدان معنا نیست که رفتار آنها فی‌نفسه مشروع و قانونی است.<sup>۶۵</sup> درواقع می‌توان گفت که اگرچه دولت‌ها حق قانونی توسل به خشونت را دارا می‌باشند، لذا این حق تا حدود زیادی محدود است و شامل حق استفاده از خشونت فراقضایی علیه شهروندان خود یا دولت‌های دیگر مثل ارتکاب ژنوساید، پاکسازی نژادی، قتل و شکنجه نمی‌شود و در همه هنجارها و قواعد بین‌الملل، تروریسم، غیرقانونی شناخته شده است.<sup>۶۶</sup> علاوه بر این، روشن است که تروریسم واژه‌ای برای توصیف اقدامی خاص یا استراتژی سیاسی خشونت‌آمیز است که عاملان از آن برای دستیابی به اهداف خاص خود بهره می‌برند، خواه هدف جزئی باشد یا گسترده. درواقع باید گفت که دولت‌ها هم مانند عاملان غیردولتی مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند، اما از اینکه برچسب «تروریست» به آنها زده شود، اجتناب می‌کنند.

در این خصوص، مسئله‌ای که موافقان مفهوم تروریسم دولتی به‌خوبی بر آن تأکید کرده‌اند، این است که «برای حل بسیاری از مشکلات در فهم تروریسم، باید از هر تعریف «عامل محور» اجتناب نمود و در عوض بر ماهیت نفس خشونت تمرکز کرد، یعنی چنانچه یک عمل سیاسی واجد ویژگی‌های تعریف‌کننده تروریسم (آن‌گونه که قبلاً شرح داده شد) بود، پس در این صورت «تروریسم» تلقی می‌شود، صرف‌نظر از مرتکب آن یا اهداف غایی آن».<sup>۶۷</sup> به‌عبارت‌دیگر، با توجه به اینکه تروریسم به‌صورت منسجم به‌واسطهٔ «قصد» و

63. Claridge, op.cit., 48.

64. Jus Ad Bellum.

65. Blakeley, "State Terrorism in Social Sciences: Theories, Methods and Concepts," in op.cit., 13.

66. Jackson, Murphy and Poynting, "Terrorism, the State and the Study of Political Terror," in op.cit., 3-4.

67. Blakeley, "Bringing the States back into Terrorism Studies," in op.cit., 228-235.

«ماهیت» عمل تعریف شده و نه بر مبنای «ماهیت مرتکب» آن عمل، فلذا این دلیلی است بر اینکه حکومت‌ها هم می‌توانند علیه شهروندان خود یا دولت دیگر مرتکب تروریسم شوند و در صورت ارتکاب چنین اعمالی خود را در جایگاه «تروریست» ببینند.<sup>۶۸</sup> می‌توان از زاویه دیگر به قضیه نگاه کرد و این‌گونه پاسخ داد که «دولتی که به لحاظ تئوریک، انحصار در استفاده از زور و اشکال متنوع خشونت را داراست، قادر به ایجاد وحشت و هدف‌گیری انسان‌های بی‌گناه نیز هست.»<sup>۶۹</sup>

- سرکوب دولت متفاوت از تروریسم است، به این دلیل که قربانیان به‌طور «تصادفی» انتخاب نشده‌اند.

در پاسخ به این انتقاد باید گفت که حقایق تجربی نشان داده‌اند که عواملان دولتی اغلب در اقدامات خشونت‌آمیز تصادفی دخالت داشته‌اند (مثلاً بمب‌گذاری خطوط هوایی در قضیه لاکربی) و به‌طور منظم حمایت‌های مادی را برای عواملان غیردولتی برای انجام اقدامات مشابه فراهم آورده‌اند. علاوه بر این اقدامات خشونت‌آمیز دولت‌ها ممکن است دارای اهداف دوگانه باشد. برای مثال حذف مخالفان خاصی که مشکلاتی را برای دولت به وجود آورده‌اند، در عین حال پیامی را به دیگر مخالفان واقعی و بالقوه دولت نیز ارسال می‌کند.<sup>۷۰</sup> مهم‌تر از همه اینکه تروریسم به‌واسطه انتخاب قربانیان تعریف نشده، بلکه بر مبنای «ایزاری بودن قربانیان برای مخابره پیام به مخاطب» تعریف شده است، خواه قربانی آگاهانه انتخاب شده باشد و یا به‌صورت تصادفی.

- خشونت اعمال شده توسط دولت‌ها، تروریسم تلقی نمی‌شود، چراکه عواملان دولتی نوعاً به دنبال تبلیغات (علنی‌سازی) نیستند؛ بلکه در عوض دخالتشان را پنهان می‌کنند. برخلاف تروریسم غیردولتی که با هدف به حداکثر رساندن تبلیغات است.

درواقع در اینجا انتقاد بر این مبناست که برحسب تعریف یکی از ویژگی‌های اساسی تروریسم این است که عواملان آن همیشه به دنبال تبلیغات (علنی‌سازی) هستند و بر همین اساس زمانی که عواملان سعی در مخفی کردن دخالتشان در خشونت سیاسی بر علیه مخالفان را دارند، نمی‌توان آن عمل را به‌عنوان تروریسم تلقی کرد.

استوکل به این انتقاد این‌گونه پاسخ داده است که این تصور، «تبلیغات» را با «ارتباط»

68. Mickler, "State Terrorism in the Sudan: Perpetrators and Enablers," op.cit., 3-4.

69. Noemi Gal-Or, "State-Sponsored Terrorism: A Mode of Diplomacy?," *Conflict Quarterly* 13(3) (Summer 1993): 21.

70. Jackson, Murphy and Poynting, op.cit., 4.

اشتباه گرفته است. «ارتباط با مخاطب» است که به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی خشونت تروریستی در نظر گرفته شده است و نه لزوماً تبلیغات.<sup>۷۱</sup> برای عاملان غیردولتی فاقد نفوذ اجتماعی، تبلیغات، آسان‌ترین راه برای ارسال پیام است، اما برای دولت‌ها این‌گونه نیست. در واقع، زمانی که یک فرد در یک ترور دولتی ربوده شده و سپس ناپدید می‌شود و پس از آن با شکنجه برمی‌گردد یا جنازه مثله شده او در یک مکان عمومی گذاشته می‌شود، شاهدان محلی درمی‌یابند که مخاطب موردنظر کیست، چه پیامی برای ارسال در نظر گرفته شده و چه کسی آن را فرستاده است. در اینجا جسد با علائم ظاهری خشونت یا در موارد ناپدیدسازی، به‌عنوان یک تذکر مستقیم در خصوص حضور و قدرت دولت است و بنابراین لازم است سکوت شود. فقدان آشکارسازی و انکار به‌وسیله دولت معمولاً یک تصمیم تاکتیکی است نسبت به ناظران خارجی به‌منظور حفظ کمک‌های بین‌المللی و همچنین انتخاب‌کنندگان داخلی که دولت متکی بر حمایت آنهاست.<sup>۷۲</sup>

- حتی اگر دولت‌ها مرتکب اقدامات تروریستی شوند، اهداف، شیوه‌ها و نتایج حاصله با اقدامات غیردولتی متفاوت است.

در این خصوص والتر لاکوئر اظهار می‌کند که تفاوت‌های بنیادینی در انگیزه‌ها، کارکرد و اثرات بین سرکوب دولتی و تروریسم سیاسی وجود دارد.<sup>۷۳</sup> در این خصوص باید گفت که باوجود اینکه تروریسم دولتی شکل اصلی و خالص پدیده تروریسم است و مطمئناً می‌تواند ایجادکننده وحشت واقعی بین مردم باشد (که این همان چیزی است که عاملان غیردولتی با اقداماتشان می‌خواهند به آن نائل شوند)، با این حال در عمل، عاملان دولتی و غیردولتی بسیاری از استراتژی‌های مشابه مثل آدم‌ربایی، قتل فراقضایی، بمب‌گذاری، شکنجه و مانند آن را اعمال می‌کنند و اهداف مشابهی در تهدید مخاطب برای دستیابی به اهداف سیاسی دارند. در اصل، تروریسم دولتی و غیردولتی از خشونت در شیوه‌های مشابه «به‌صورت ایزاری» استفاده می‌کنند.

استدلال مخالفان نشان می‌دهد که تحلیل آنها از تروریسم یک تحلیل عامل‌محور<sup>۷۴</sup> است، به جای اینکه مبتنی بر خود عمل باشد. حتی اگر انگیزه‌ها، کارکرد و اثرات تروریسم مورد استفاده دولت‌ها و عاملان غیردولتی متفاوت باشد، به دلیل اینکه ویژگی‌های اصلی

71. Michael Stohl, and Raymond D. Duvall, "Governancy by Terror," in *The Politics of Terrorism*, ed. Michael Stohl (New York: Marcel Dekker Inc, 1988), 3<sup>rd</sup> Edition, 239-240.

72. Jackson, Murphy and Poynting, op.cit., 4-5.

73. Laqueur, *No End to War: Terrorism in the Twenty-first Century*, op.cit., 140.

74. Actor-Based.

تروریسم مشخص و واحد می‌باشند، خواه مرتکب عاملان دولتی باشند یا نیروهای غیردولتی، عمل فی‌نفسه تروریستی است.<sup>۷۵</sup>

- آن چیزی که به‌عنوان تروریسم دولتی توصیف شده، تاکنون به حد کافی تحت عناوین سرکوب، نقض حقوق بشر، جنایات جنگی و ... تعریف و ممنوع اعلام شده است. بر این اساس بیشتر نویسندگان تأکید می‌کنند که اقداماتی که تحت شمول اصطلاح مبهم تروریسم دولتی قرار می‌گیرند، تاکنون به‌وسیله قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل کیفری یا حقوق بین‌الملل عمومی منع گردیده‌اند.<sup>۷۶</sup>

در پاسخ باید گفت که همین وضعیت درخصوص اقدامات تروریستی غیردولتی هم وجود دارد. درواقع همه اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده به‌وسیله تروریست‌های غیردولتی نیز در قوانین مشخص شده و مجموعه‌ای از اصطلاحات مفید برای توصیف آنها وجود دارد. علاوه‌بر این باید اذعان نمود که هیچ‌یک از اقدامات دولتی (حتی غیردولتی) منحصرأ تروریسم، نقض حقوق بشر یا سرکوب نیستند. آن اقدامات می‌توانند هم تروریسم باشند و هم نقض حقوق بشر و همواره هم این‌چنین است و هیچ تناقضی در استفاده از این واژگان وجود ندارد.<sup>۷۷</sup>

نکته مهم‌تر این است که باوجوداینکه عمل دولت‌ها، اعم از اینکه تروریستی باشد یا خیر، غیرقانونی و ممنوع است، اما بااین‌حال مهم است که تشخیص دهیم چه موقع دولت‌ها در حال ارتکاب اعمال تروریستی هستند، چراکه دولت‌ها با انجام آن، درواقع در حال ارتکاب دو جرم جدی هستند: اول، استفاده غیرقانونی از زور و دوم؛ ارتکاب تروریسم. استفاده غیرقانونی از زور نسبت به قربانی مستقیم و تروریسم یا ایجاد رعب و وحشت نسبت به مخاطب گسترده‌تر.

- تروریسم یک جرم کیفری است و دولت‌ها نمی‌توانند مرتکب جرم تروریسم در نظر گرفته شوند، چراکه دولت‌ها موضوع حقوق بین‌الملل کیفری نیستند.<sup>۷۸</sup> در همین راستا اسکویبژوسکی تصریح می‌کند که «دولت‌ها در وضعیت ارتکاب تروریسم قرار نمی‌گیرند، چراکه حقوق بین‌الملل معاصر برای دولت‌ها به خاطر اقداماتی که عناصر مادی جرم تروریسم

75. Blakeley, "State Terrorism in Social Sciences: Theories, Methods and Concepts," in op.cit., 13.

76. Quenivet, op.cit., 565.

77. Jackson, Murphy and Poynting, op.cit., 5.

۷۸. محسن عبداللهی، تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی

شهر دانش، ۱۳۸۸)، چاپ اول، ۴۹.

را تشکیل می‌دهند، مسئولیت کیفری در نظر نگرفته است.»<sup>۷۹</sup>

درواقع بر مبنای این تفکر، همان‌گونه که در محاکمات نورنبرگ نیز مطرح گردید «مجرمیت دولت را می‌بایست و تنها می‌توان از رهگذر مکانیسم مسئولیت کیفری فردی مورد بررسی قرار داد. جرایم بر علیه حقوق بین‌الملل به وسیلهٔ افراد ارتکاب می‌یابند و نه توسط موجودیت‌های انتزاعی و تنها از رهگذر مجازات افرادی که چنین جرایمی را مرتکب شده‌اند، قواعد حقوق بین‌الملل می‌توانند اجرا شوند.»<sup>۸۰</sup>

باید توجه داشت که مسئولیت دولت به خاطر جنایات ارتكابی علیه صلح بین‌المللی در خلال جنگ جهانی دوم، به واسطهٔ ایجاد مسئولیت کیفری فردی برای مقامات آلمانی از میان رفت و علاوه بر محاکمه مقامات رده‌بالای آلمانی به اتهام ارتكاب جنایات جنگی، دولت آلمان نیز مسئول خسارات سنگین جنگ تلقی شد. بدین ترتیب اولین مورد مسئولیت متقارن مطرح گردید که در آن عاملان دولتی فردی از لحاظ کیفری مسئول شناخته شده و دولت نیز به خاطر همان اقدامات، از لحاظ حقوقی مسئول پرداخت خسارات گردید.

همگام با این رویه، کمیسیون حقوق بین‌الملل و جامعه بین‌المللی به صورت مداوم بر تقارن مسئولیت در قبال ارتكاب جنایات بین‌المللی طبق حقوق بین‌الملل تأکید کرده‌اند. فلذا مسئولیت کیفری بین‌المللی به خاطر ارتكاب جنایات در حقوق بین‌الملل، در جایی که رفتار مجرمانه به دولت قابل انتساب است و منجر به نقض تعهد بین‌المللی دولت گردیده است، نافی مسئولیت دولت نیست.<sup>۸۱</sup>

علاوه بر این، «تعهد دولت‌ها به همکاری» در حقوق بین‌الملل کیفری، یک تعهد بین‌المللی ویژهٔ دولت‌ها بوده و بر اساس ماده یک طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تخلفات دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی خود، مسئولیت بین‌المللی آنان را به دنبال دارد. اساسنامهٔ دیوان بین‌المللی کیفری نیز در پاراگراف ۶ مقدمه، اعلام می‌دارد: «وظیفهٔ هریک از دولت‌هاست که صلاحیت کیفری خود را بر کسانی که مسئول ارتكاب جنایات بین‌المللی هستند، اعمال نمایند.»

گذشته از این، در حقوق بین‌الملل کیفری، مسئولیت‌های منبعث از تعهد به همکاری

79. P.A. Sproat, "Can the State Commit Acts of Terrorism? An Opinion and Some Qualitative Replies to a Questionnaire," *Terrorism and Political Violence* 9(4) (1997): 119.

80. International Tribunal for the Trial of Major War Criminals (Nuremberg), Judgement of October 1, 1946.

81. Kimberley N. Trapp, *State Responsibility for International Crimes: Problems and Prospects* (New York: Oxford University Press, 2011), 230-231.



دولت‌ها با یکدیگر (بر اساس موافقت‌نامه‌های بین‌المللی) و با دیوان‌های کیفری بین‌المللی (بر اساس اساسنامه‌های این دادگاه‌ها)، ویژه دولت‌ها بوده و افراد در این موضوع، فاقد تعهد و مسئولیت می‌باشند.

بدین ترتیب در حقوق بین‌الملل کیفری، دو مسئولیت بین‌المللی از همدیگر قابل تفکیک می‌باشند: مسئولیت نخست که از آن به‌عنوان «مسئولیت کیفری فردی» نام برده می‌شود، مربوط به افراد و مرتکبان هریک از جنایات شناسایی‌شده در حقوق بین‌الملل بوده و مسئولیت دوم مختص به دولت‌ها می‌باشد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری به جهت عدم ایفای تعهدات موجود در مقررات این شاخه از حقوق مطرح می‌گردد. از جمله تعهدات مسئولیت‌آور برای دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کیفری تعهد دولت‌ها به همکاری می‌باشد.<sup>۸۲</sup>

همان‌طور که گفته شد، مسئولیت کیفری فردی در قبال جرایم تحت شمول حقوق بین‌الملل، چنانچه رفتار مجرمانه قابل‌انتساب به دولت باشد و منجر به نقض یک تعهد بین‌المللی شده باشد، مسئولیت دولت را از بین نخواهد برد؛ بنابراین از نظر منطقی، مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت دولت در قبال رفتار مجرمانه که هرکدام مستقل از دیگری ایجاد شده‌اند، می‌توانند هم‌زمان با هم وجود داشته باشند.<sup>۸۳</sup>

این احتمال که یک دولت در ارتباط با هویت‌های دیگر مرتکب اقدام خطاآمیز گردد در دیوان بین‌المللی دادگستری و در قضیه ژنوساید بوسنی و هرزه‌گوین نیز مطرح گردیده بود. هرچند دیوان در این قضیه، بار دیگر بر معیار سخت‌گیرانه کنترل مؤثر در خصوص انتساب اقدامات غیرقانونی به دولت‌ها اصرار ورزید و از این جهت موردانتقاد بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی قرار گرفت، اما دیوان با اعلام اینکه ارتکاب ژنوساید در بوسنی و هرزه‌گوین قابل انتساب به صربستان و مونته‌نگرو نیست و صربستان به خاطر معاونت در ارتکاب ژنوساید مسئولیت بین‌المللی نخواهد داشت، درواقع به‌صورت ضمنی این احتمال را پذیرفته است که اقداماتی همچون ژنوساید که یک جرم کیفری است را می‌توان به دولت‌ها منتسب نمود. نول کمپر معتقد است که «دیوان با اعلام این حقیقت، درواقع مسئله «مسئولیت مشترک» میان

۸۲. علیرضا دلخوش، مقابله با جرایم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰)، چاپ اول، ۱۴۷.

83. Trap, op.cit., 231.

دولت و افراد را مورد تأیید قرار داده است.<sup>۸۴</sup>

از طرف دیگر در حقوق بین‌الملل عام، به موجب قواعد بین‌المللی و اعلامیه «اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط دوستانه میان ملت‌ها»<sup>۸۵</sup> و قطعنامه «تدابیری برای امحای تروریسم بین‌الملل»<sup>۸۶</sup> صراحتاً همه دولت‌ها از سازمان‌دهی، ایجاد، تحریک، ترغیب و هرگونه حمایت مادی و معنوی از اقدامات تروریستی در کشورهای دیگر منع شده‌اند. حتی اعلامیه روابط دوستانه میان ملت‌ها صراحتاً دولت‌های عضو را از اغماض یا تسامح نسبت به فعالیت‌های تروریستی منع می‌نماید. فلذا قطعنامه‌های مجمع عمومی که مکرراً دولت‌های به‌کارگیرنده و حامی تروریسم را محکوم می‌کند، به‌طور ضمنی تأیید کرده‌اند که دولت‌ها درگیر در فعالیت‌های تروریستی هستند؛ بنابراین اگر دولت‌ها به هر شکل در سازمان‌دهی، تحریک و تشویق اقدامات تروریستی و کمک به آن مشارکت نمایند، مستقیماً مسئول خواهند بود.<sup>۸۷</sup> چنان‌که در بسیاری موارد امکان طرح مسئولیت کیفری برای نیروهای دولتی که در اقدامات تروریستی دخالت دارند و نیز مسئولیت مدنی دولت‌های آنها وجود دارد.

به‌طور کلی در پاسخ به منتقدان مفهوم تروریسم دولتی باید یادآور گردید که برخلاف ادعای پروفیسور هیگینز که معتقد است که «مبنای مفهوم تروریسم در حقوق بین‌الملل با پدیده جرایم خشونت‌آمیزی آغاز شد که افراد با هدف اعتراض سیاسی به دولت‌ها یا تضمین انجام رفتار سیاسی مشخصی از سوی آنها بر ضد شهروندان یا بر ضد نظامیان در شرایط غیرجنگی صورت می‌دادند»<sup>۸۸</sup> اصطلاح تروریسم (که در جریان انقلاب کبیر فرانسه مطرح گردید)، در ابتدا برای اشاره به اقداماتی که دولت در جهت ارباع اتباع خود و به‌منظور حفظ کنترل بر روی آنها انجام می‌داد، به‌کار گرفته شد.<sup>۸۹</sup> بنابراین، سرآغاز استفاده از واژه تروریسم برای توصیف خشونت دولت‌ها بوده، متعاقباً مفهوم آن توسعه یافته و در قرن نوزدهم، تروریسم معنای جدیدی به خود گرفت و نه‌تنها ترور اعمال‌شده توسط دولت، بلکه همچنین

84. Andre Nollkaemper, "Issues of Shared Responsibility before the International Court of Justice," *University of Amsterdam, Amsterdam Centre for International Law* 2011-01 (2011): 45-46.

85. UN Declaration on Friendly Relations among the States, UN Doc. A/RES/2625 (XXV).

86. Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism, UN Doc. A/RES/49/60, December 9, 1994.

87. Greg Travalio, and John Altenburg, "Terrorism, State Responsibility and Use of Military Force," *Chicago Journal of International Law* 4(1) (Spring 2003): 100.

88. Rosalyn Higgins, "The General International Law of Terrorism," in *Terrorism and International Law*, ed. Rosalyn Higgins, and Maurice Flory (London and New York: Taylor and Francis Group, 1997), 26.

89. Gilbert Guillaume, "Terrorism and International Law," *ICQL* 53 (2004): 537-538.

اقدامات تروریستی که علیه دولت صورت می‌گیرد را شامل می‌شود. علاوه بر این همان‌گونه که اسکار شاختر نیز تأکید نموده است «هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بر مبنای آن بتوان اقدامات مقامات دولتی را از تعریف تروریسم مستثنا نمود».<sup>۹۰</sup>

به‌منظور مبارزه جدی و مؤثر با تروریسم، باید مسئله استفاده از تروریسم به‌وسیله دولت‌ها مورد توجه قرار گیرد. با وجود اینکه حقوق دانان تمایل چندانی به بحث در این موضوع را ندارند، اما این مسئله با توجه به رویه جاری و گذشته بسیاری از دولت‌ها همچنان با اهمیت جلوه می‌کند. چنان‌که کوهن هم تأکید کرده است که «اگر ارزش‌های بنیادین عدالت و مساوات در برابر قانون مورد توجه نباشند، مبارزه واقعی با تروریسم ممکن نخواهد بود».<sup>۹۱</sup> فلذا تعریف نباید بر این مبنای باشد که آیا چنین اقداماتی به‌وسیله اشخاص خصوصی ارتکاب یافته‌اند یا توسط نمایندگان دولت. آن چیزی که مهم‌تر است «شرایط عینی» و «هدف استفاده از خشونت» است.

### نتیجه

تروریسم، به‌طور کلی و در همه اشکال آن پدیده جدیدی نیست و قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارد. در طول تاریخ، حکومت‌ها از تاکتیک‌های تروریستی، هم درون مرزهای خود برای سرکوب مخالفان داخلی و الزام آنها به تبعیت و هم برای ضربه زدن به دشمنان خارجی به اشکال مختلف بهره برده‌اند.

اما ماهیت خصوصی فعالیت تروریست‌ها، میزان اتکای آنها به دولت و شدت و بزرگی تهدیدی که تروریسم ایجاد می‌کند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای در طول زمان تغییر یافته است. حمایت دولت‌ها از تروریسم در مقیاس وسیع در نیمه دوم قرن بیستم و به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد پدیدار گردید. در اهمیت حمایت دولت از تروریسم باید گفت که بدون دخالت دولت در فعالیت‌های تروریستی به اشکال مختلف، افراد یا گروه‌های تروریست یقیناً توانایی عملیاتی خود را تا حدود بسیار زیادی از دست خواهند داد تا آنجا که آثار و عواقب وحشتناک تروریسم در دنیای امروز را باید محصول دولت‌هایی دانست که یا از طریق ارگان یا کارگزاران خود فعالیت‌های تروریستی را صورت می‌دهند و یا سلاح، کمک مالی، آموزش، پناهگاه و دیگر ابزار حمایت را برای عاملان غیردولتی فراهم می‌آورند؛ بنابراین، تروریسم دولتی، شکل بسیار

90. Oscar Schachter, "The Lawful Use of Force by a State against Terrorists in another Country," *Isr YB Intl L* 19 (1989): 209-210.

91. Quenivet, op.cit., 566.

مهم تروریسم در دنیای معاصر است که در مقایسه با تروریسم غیردولتی کم‌اهمیت جلوه داده شده است و درصد بسیار کمی از کتب و مقالات علمی مرتبط با تروریسم، به این پدیده مهم و بسیار خطرناک پرداخته‌اند.

در بحث از وجود و تعریف تروریسم دولتی میان نظریه‌پردازان اختلافات فراوانی وجود دارد. بسیاری اساساً وجود پدیده تروریسم دولتی را مورد نقد قرار داده و وجود این پدیده را انکار می‌کنند. البته باید تا حدود زیادی ابهام در تعریف پدیده تروریسم دولتی را ناشی از ناتوانی جامعه بین‌المللی در تعریف خود واژه تروریسم دانست. از طرف دیگر هم یکی از دلایل عدم تعریف واژه تروریسم، اختلافات بر سر درج یا عدم درج تروریسم دولتی در ذیل تعریف تروریسم بوده است.

آن‌گونه که متفکران حوزه مطالعات تروریسم بحث کرده‌اند، از آنجاکه تروریسم به‌صورت منسجم به‌واسطه «ماهیت» و «قصد» عمل تعریف شده و نه به‌واسطه «ماهیت مرتکب» آن، فلذا این دلیلی است بر این ادعا که دولت‌ها هم می‌توانند علیه شهروندان خود یا دولت دیگر مرتکب تروریسم شوند و بر همین مبنا، زمانی که مرتکب چنین اقداماتی می‌شوند، به‌عنوان تروریست شناسایی می‌شوند.

با توجه به آنچه گفته شد، تروریسم دولتی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «استفاده عمدی از خشونت یا تهدید به استفاده از چنین خشونت‌هایی به‌وسیله کارگزاران حکومت یا افراد منصوب از جانب آنها علیه افراد یا گروه‌هایی که با هدف تهدید یا ارباب مخاطب گسترده قربانی می‌شوند»؛ بنابراین، قربانیان مستقیم، اهداف اصلی نیستند، بلکه ابزاری هستند برای تهدید مخاطبان گسترده‌تر که از طریق پیام آن خشونت تهدید می‌شوند.

بسیاری از صاحب‌نظران میان تروریسم دولتی و تروریسم موردحمایت دولت یک تمایز عمده را قائل شده‌اند. بر این اساس، تروریسم دولتی؛ به‌کارگیری ترور توسط خود دولت است، زمانی که نیروهای دولت از اقدامات تروریستی در تلاش برای غلبه بر دشمنان خارجی (از جمله دولت‌ها و یا گروه‌ها و افراد غیردولتی) یا کنترل افراد و گروه‌های خاص در قلمرو خود یا خارج از آن استفاده می‌کنند. در مقابل، تروریسم موردحمایت دولت زمانی رخ می‌دهد که مرتکبان واقعی اقدامات تروریستی، عاملان غیردولتی هستند که با حمایت آشکار یا مخفیانه دولت اقدام می‌کنند. تروریسم موردحمایت دولت کمی پیچیده‌تر است، به این دلیل که دامنه حمایت‌های دولت از حمایت‌های معنوی و غیرمادی تا حمایت‌های مادی گسترده و اقدامات مثبت دولت تا ترک فعل دولت را شامل می‌شود.

در پایان لازم به یادآوری است که درک بحران‌های بین‌المللی همچون دارفور به‌عنوان مصادیقی از تروریسم دولتی به ما نشان می‌دهند که اگرچه توجه بیشتر صاحب‌نظران تروریسم بر عامل غیردولتی متمرکز است، اما به لحاظ تاریخی و در دنیای معاصر، دولت‌ها به‌مراتب بیشتر از عاملان غیردولتی مرتکب تروریسم می‌شوند. ماهیت خشونت در مواردی مثل دارفور به ما یادآور می‌شود که اگر هدف اصلی، جلوگیری از ارتکاب تروریسم علیه غیرنظامیان در سراسر جهان است، لازم است که توجه بیشتر و اقدام قوی‌تری برای مقابله با تروریسم ارتكابی به‌وسیله دولت‌ها علیه شهروندان بی‌گناه اتخاذ کنیم.

بنابراین با انتساب تروریسم به برخی اقدامات غیرقانونی دولت‌ها، در صورتی که جامعه بین‌المللی سازوکارهای مناسب برای مقابله با این پدیده شوم را تدارک دیده و گام‌های مؤثری را در این راستا بردارد، شاید بتوان حمایت گسترده‌تری را از قربانیان به عمل آورد و توجهات بیشتری را نسبت به اعمال فوق جلب نمود.

یک چیز کاملاً بدیهی است و آن این است که تروریسم دولتی در سراسر قرن بیستم از هیتلر، استالین و مائو گرفته تا جوخه‌های مرگ در آرژانتین، گواتمالا، کامبوج، اندونزی و در قرن حاضر از سودان گرفته تا بسیاری از کشورهای که کماکان در حال ارتکاب آن هستند، تعداد بسیار بیشتری از انسان‌های بی‌گناه را در مقایسه با گروه‌های تروریستی غیردولتی به کام مرگ کشانده است.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- جوکار، کیوان و غلامرضا مهدیزاده. *تروریسم و امنیت بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱*. چاپ اول. تهران: انتشارات بیشه، تهران، ۱۳۹۰.
- دلخوش، علیرضا. *مقابله با جرایم بین‌المللی: تعهد دولت‌ها به همکاری*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
- عبداللهی، محسن. *تروریسم: حقوق بشر و حقوق بشردوستانه*. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- غالی، پطروس. «سازمان ملل متحد و اقدامات جامع حقوقی برای مبارزه با تروریسم بین‌المللی» ترجمه سید قاسم زمانی، در *تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق*، به اهتمام علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- لیمن، مایکل و گری پاتر. «تروریسم به‌عنوان جرمی سازمان‌یافته» ترجمه سید قاسم زمانی و علیرضا طیب. در *تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق*، به اهتمام علیرضا طیب. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- ناجی راد، محمدعلی. *جهانی‌شدن تروریسم*. چاپ اول. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.

### ب) منابع انگلیسی

- Aust, Anthony. *Handbook of International Law*. 2<sup>nd</sup> Ed. New York: Cambridge University Press, 2010.
- Bassiouni, M. Cherif. "Legal Control of International Terrorism: A Policy Oriented Assessment." *Harvard International Law* 43 (2002): 83-103.
- Becker, Tal. *Terrorism and the State: Rethinking the Rules of State Responsibility*. First Ed. New York: Hart Publishing, 2006.
- Blakeley, Ruth. "Bringing the States back into Terrorism Studies." *European Political Science* 6(3) (2007): 228-235.
- Blakeley, Ruth. "Elephant in the Room: A Reponse to John Horganand and Michael Boyle." *Critical Studies on Terrorism* 1(2) (2008): 151-165.
- Blakeley, Ruth. "State Terrorism in Social Sciences: Theories, Methods and Concepts." In *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, edited by Richard Jackson, Emon Murphy, and Scott Poynting, First Ed, 12-27. New York: Routledge, 2010.
- Claridge, David. "State Terrorism? Applying a Definitional Model." *Terrorism and Political Violence* 8(3) (1996): 47-63.
- Combs, Cindy C., and Martin Slann. *Encyclopedia of Terrorism*. Revised Ed. New York: Facts on File, 2007.
- Conrad, Justin. "Interstate Rivalry and Terrorism: An Unprobed Link." *Journal of Conflict Resolution* 55(4) (2011): 529-555.

Gal-Or, Noemi. "State-Sponsored Terrorism: A Mode of Diplomacy?." *Conflict Quarterly* 13(3) (1993): 7-23.

Grant, John P., and J.Craig Barker. *Encyclopedic Dictionary of International Law*. 3<sup>rd</sup> Ed. New York: Oxford University Press, 2009.

Guillaume, Gilbert. "Terrorism and International Law." *International and Comparative Law Quarterly* 53 (2004): 537-548.

Henderson, Harry. *Global Terrorism*. Revised Edition. New York: Facts on File Inc, 2004.

Higgins, Rosaly. "The General International Law of Terrorism." In *Terrorism and International Law*, edited by Rosalyn Higgins and Maurice Flor, First Ed, 13-29. London and New York: Routledge, 1997.

Jackson, Richard, Emon Murphy, and Scott Poynting. "Terrorism, the State and the Study of Political Terror." In *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, edited by Richard Jackson, Emon Murphy, and Scott Poynting. First Ed, 1-11. New York: Routledge, 2010.

Jackson, Richard. "Contemporary State Terrorism: towards a New Research Agenda." In *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, edited by Richard Jackson, Emon Murphy, and Scott Poynting, First Ed, 228-239. New York: Routledge, 2010.

Jackson, Richard. "The Ghosts of State Terror: Knowledge, Politics and Terrorism Studies." *Critical Studies on Terrorism* 1(3) (2008): 377-392.

Laqueur, Walter. *The New Terrorism, Fanaticism and the Arms of Mass Destruction*. First Ed. New York: Oxford University Press, 1999.

Laqueur, Walter. *No End to War: Terrorism in the Twenty-first Century*. New York: Continuum, 2003.

Mickler, David. "Darfur's Dread: Contemporary State Terrorism in the Sudan." In *Contemporary State Terrorism: Theory and Practice*, edited by Richard Jackson, Emon Murphy, and Scott Poynting, First Ed, 28-47. New York: Routledge, 2010.

Neuman, Gerald. "Humanitarian Law and Counterterrorist Force." *EJIL* 14(2) (2003): 283-298.

Nollkaemper, Andre. "Issues of Shared Responsibility before the International Court of Justice." *University of Amsterdam, Amsterdam Centre for International Law* 2011(01) (2011). <http://www.ssrn.com>.

Primortaz, Igor. "State Terrorism and Counterterrorism." In *Terrorism and Philosophical Issues*, edited by Primorta, 113-127. Houndmills: Plgrave Macmillan, 2004. <http://dtl.unimelb.edu>.

Quenivet, Noelle. "The World after September 11: Has It Really Changed?." *The European Journal of International Law* 16(3), 2005: 561-577.

Riegler, Thomas. "The State as a Terrorist? Arguing for a Category of State Terrorism." In *Inside and Outside of the law: Perspectives on Evil, Law and the State*, edited by Shubhankar Dam and Hall, 169-179. Oxford United Kingdom: Inter-disciplinary Press, 2009.

Schachter, Oscar. "The Lawful Use of Force by a State against Terrorists in Another Country." *Isr YB Intl L* 19 (1989): 209-232.

Schaeffer, Crystal M. *State Sponsorship of Terrorism: A Comparison of Cuba's and Iran's Use of Terrorism to Export Ideological Revolution* (George Mason University, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy, 2010).

Selden, Mark, and Y. So, Alvin. *War and State Terrorism; The United State, Japan and the Asia-pacific in the Long Twentieth Century*. First Ed. New York: Rowman and Littlefield Publishers, 2004.

Sluka, Jeffry. "An Anthropological Perspectives on State Terrorism." Paper Presented at the 49th Annual International Studies Association Convention, San Francisco, CA, USA, March 26-29, 2008.

Sproat, Peter Alan. "Can the State Commit Acts of Terrorism? An Opinion and Some Qualitative Replies to a Questionnaire." *Terrorism and Political Violence* 9(4) (1997): 117-150.

Stohl, Michael, and George A Lopez. *The State as Terrorist: The Dynamics of Governmental Violence and Repression*, Westport: Greenwood Press, 1984.

Stohl, Michael, and Raymond D. Duvall. "Governancy by Terror." In *The Politics of Terrorism*, edited by Michael Stohl, 3<sup>rd</sup> Edition. New York: Marcel Dekker Inc, 1988.

Tackrah, John Richard. *Dictionary of Terrorism*. Second Edition. London and New York: Routledge, 2004.

Terry, J.P. "State Terrorism: A Juridicial Examination in Terms of Existing International Law." *Journal of Palestine Studies* 10(1) 1980: 94-117.

Trapp, Kimberley N. *State Responsibility for International Crimes: Problems and Prospects*. New York: Oxford University Press, 2011.

Travalio, Greg, and John Altenbur. "Terrorism, State Responsibility and Use of Military Force." *Chicago Journal of International Law* 4(1) (2003): 96-119.



# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XVII, No. 4**

**2019-4**

- **The Respect for Competition Principle in Public Contracts**  
Dr. Hasan Naemeh
- **State Terrorism: Supposition or Reality?!**  
Navab Mohammadi Dehcheshmeh
- **Comparative Study of Predictability Damage Criterion in Iranian and England Laws**  
Mohsen Jafari Behzadkalaee - Dr. Hamid Abhary
- **The Legal Requirements and Principles in New Iranian Petroleum Contracts (I.P.C)**  
Mahdi Haghhighian - Dr. Alireza Ebrahimgol
- **The Iran's Rights to Orbital Points from the Point of View of International Law**  
Farnaz Foroutanian Shahrabaki - Dr. Fatemeh Fathpour
- **The Status of Resolutions of the UN General Assembly among the Sources of International Law**  
Jamshid Mazaheri
- **Legal Effects of African's Withdrawal from the International Criminal Court**  
Mohammad Alipour
- **Penal Populist Reactions on Contrast of Violent Crimes in Iran**  
Dr. Mohammad Bagher Moghaddasi - Dr. Mohammad Farajiha
- **Postponement of Sentences and its Consequences**  
Mohammad Javad Alizadeh Goudarzi - Dr. Abolfath Khaleghi
- **The Role of Biotechnology in Right to Food**  
Seyedeh Kiana Banikamali
- **Cyber War Crimes**  
Author: David P. Fidler - Translator: Amin Zahmatkesh



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study